

مبادی و اصول اجتماعی - انتخاب خط و لسان

حضرت بهاء الله



(6) انتخاب خط و لسان بین المللی جهت ایجاد وحدت عالم انسانی میباشد

- اتحاد و اتفاق عباد است لازال باتفاق آفاق عالم بنور امر منور و سبب اعظم دانستن خط و گفتار یکدیگر است از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود (حضرت بهاء الله، اشراقات، اشراق ششم)
- از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدر شد و باید جهد شود تا یکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه واحده و قطعه واحده مشاهده شود (حضرت بهاء الله، کلمات فردوسیه)
- از جمله اوامر حضرت بهاء الله اینست که باید جمیع ملت از اهل معارف و علوم اتفاق کرده یک لسان انتخاب یا ایجاد نمایند و آن لسان عمومی باشد. و این امر در کتاب اقدس چهل سال پیش نازل شده و مضمون آن اینست مسئله لسان بسیار مشکل شده زیرا لسان بسیار است و اختلاف حاصل شده بین جمیع اقوام و طوائف و تا وحدت لسان حاصل نگردد ائتلاف مشکل و معاملات مختل است. هر انسان محتاج بلسانهای بسیار است تا بتواند بجمیع بشر معامله و معاشرت و ملاقات نماید و این مستحیل است. زیرا آنچه تا حال در آکادیمی معلوم و مسلم شده هشتصد لسان معین گشته و از برای انسان تحصیل اینهمه ممکن نیست. پس بهتر اینست یک لسان ایجاد و یا انتخاب شود تا آنکه لسان عمومی باشد. در اینصورت انسان بدو لسان محتاج است یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی بلسان وطنی خودش با قوم خود گفتگو نماید اما بلسان عمومی با جمیع عالم محاوره نماید و محتاج لسان ثالث نمیشد و جمیع بشر با یکدیگر بدون مترجم الفت و مصاحبت مینمایند. حال اگر چنین چیزی بشود فی الحقیقه سبب راحت و آسایش و سرور جمیع ملل عالم است. بعد از مدتی مدیده شخصی پیدا شد این لسان اسپرانتو را ایجاد کرد فی الحقیقه زحمت کشیده خوب ایجاد کرده. لکن بجهت آنکه تأمین و ترویج آن لسان لازمست لهذا عموم ملت از ارباب معارف باید یک مجلس عمومی تشکیل دهند هر ملتی نفسی را انتخاب نماید اینها انجمنی بیاریند و معاونت آن شخص بکنند و لسان را از هر جهت اكمال نمایند تا آن لسان انتشار حاصل نماید و لسان منتخب عموم ملل شود و بر ملتی تعمیم آن گران نباشد. زیرا حال بر بعضی گران و مشکل است میگویند این لسان را ما ایجاد نکرده ایم روس ایجاد کرده است لهذا تعلق قلب چندان ندارند. اما اگر همچو انجمنی تشکیل شود جمیع اعضاء تصدیق کرده اتمام و اكمال نمایند آنوقت جمیع ملل بنهایت سرور قبول مینمایند. و تا آن لسان ترویج نشود راحت و آسایش آنطور که باید و شاید برای بشر حاصل نمیشود زیرا اختلاف لسان بسیار سبب اختلاف و سوء تفاهم است. مثلاً میانه



TABLET

آلمان و فرانسه چه تفاوتیست؟ تفاوت لسان است و بس. میانهء شرق و غرب یک سبب اختلاف لسان است اگر جمیع بشر بلسان عمومی تنطق نمایند وحدت عالم بشر را خدمت مینمایند. لهذا شما لسان اسپرانتو را خیلی دوست داشته باشید، چرا بدایت تأسیس است انشاءالله اکمال خواهد شد و جمیع من علی الارض راحت خواهند گشت

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 34)

- اعظم مشروع این قرن وحدت عالم انسانی است و همچنین وحدت لسان سبب الفت بین قلوب است سبب حصول اتحاد است سبب زوال سوء تفاهم است سبب ظهور حقیقت است و سبب محبت جمیع بشر است و سبب تفهیم و تفهّم است که اهمّ امور در عالم انسانی است. هر فردی از افراد بشر بجهت وحدت لسان میتواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد بسبب وحدت لسان انسان میتواند باسرار قرون ماضیه مطلع شود و بکمال سهولت تحصیل علم و فنون موجوده کند. زیرا در مدارس شرق و غرب اهالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند اول باید چهار سال تحصیل لسان نمایند تا مباشرت بعلم کنند. مثلاً شخصی از اهل هند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصیل فنّ طبّ نماید باید اول چهار سال تحصیل لسان انگلیسی کند تا مباشرت بتحصیل طبّ نماید. لکن کسی لسان عمومی داشته باشد در صغر سنّ آن لسان را تحصیل کند بعد بهر مملکتی رود بدو بتحصیل علم مشغول شود. و امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگر است اما اگر لسان عمومی باشد چقدر آسان میشود. فی الحقیقه نصف حیات بشر باید بتحصیل لسان صرف شود هر کس بخواهد در یکی از قطعات عالم سفر کند باید ده لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل ده لسان یک عمر میخواید. اما یک لسان عمومی انسان را از همه این مشقّت ها راحت میکند خلاصه تفهیم و تفهّم منوط بلسان واحد است باید تلذیب و معلّم وحدت لسان داشته باشند تا تفهیم و تفهّم حاصل شود. چه که در عالم انسان امری اعظم از تفهیم و تفهّم نیست تربیت صحیح منوط بتفهم و تفهّم است تعلیم علوم منوط باین است و این است سبب تحصیل معارف عمومی و باین سبب انسان از هر امری واقف شود. پس اگر وحدت لسان باشد جمیع افراد بشر باسانی یکدیگر تفهیم نمایند.

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 39)

- یک لسانی ایجاد شود و آنرا جمیع آکادمی های عالم قبول نمایند. یعنی یک کنگره بین المللی مخصوص تشکیل دهند و از هر ملّتی نمایندگان و وکلاء دانا در آن جمع حاضر گردند و صحبت و مشورت نمایند و رسماً آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جمیع مدارس عالم تعلیم اطفال کنند. تا هر انسان دو لسان داشته باشد یک لسان عمومی و یک لسان وطنی تا جمیع عالم یک وطن و یک لسان گردد زیرا این لسان عمومی از جمله اسباب اتحاد عالم انسانی است

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 126)